

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
پایان نامه برای دریافت درجه دکتری

عنوان:

## **اندیشه آرمانشهری در شعر معاصر عرب**

(با رویکرد به آثار جبران خلیل جبران، فوزی المعلوف، بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه)

استادان راهنما:

جناب آقای دکتر علی منتظمی

جناب آقای دکتر علی نوروزی

استادان مشاور:

جناب آقای دکتر سید حسین سیدی

جناب آقای دکتر حسین ناظری

دانشجو:

علی اکبر احمدی چناری

زمستان ۱۳۸۹

**تقدیم به همسر مهربانم،  
به پاس همدلی ها و همراهی هایش**

## سپاسگزاری و تقدیر

از جناب آقای دکتر علی منتظمی که با سعه صدر و صرف وقت فراوان و نکته سنجی و موشکافی در تمام مراحل پژوهش مرا هدایت و تشویق به انجام کار نمودند، خالصانه سپاسگزاری و تقدیر می کنم.

از آقای دکتر علی نوروزی که از سر بزرگ منشی مرا از تجربیات وزین و گرانمایه خود در زمینه شعر معاصر، بهره مند ساختند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از اساتید بزرگوار آقایان دکتر سید حسین سیدی و دکتر حسین ناظری به جهت پذیرش زحمت مشاوره و ارشادات ارزنده شان، صمیمانه تقدیر و تشکر می نمایم.



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

فرم چکیده‌ی پایان نامه به زبان فارسی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

نام خانوادگی دانشجو: احمدی چناری

نام: علی اکبر

استاد(ان) راهنما: آقای دکتر علی منتظمی، آقای دکتر علی نوروزی استاد(ان) مشاور: آقای دکتر سید حسین سیدی، آقای دکتر حسین ناظری

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی رشته‌ی: زبان و ادبیات عربی گرایش: - مقطع: دکتری

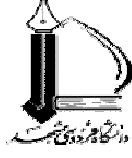
تاریخ دفاع: تعداد صفحات: ۲۲۷

عنوان پایان نامه: اندیشه آرمانشهری در شعر معاصر عرب (با رویکرد به آثار جبران خلیل جبران، فوزی المعلوف، بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه)  
کلید واژه ها: آرمانشهر، شعر معاصر، زمان، مکان، درونمایه ها.

### چکیده:

آرمانشهر، یک جامعه آرمانی و مطلوب در خیال و رؤیای بسیاری از اندیشمندان بزرگ است که خاستگاه اولیه آن، ایده آلیسم افلاطونی در کتاب جمهوریت می باشد. پژوهش پیش روی به بررسی جایگاه این ایده‌ی فلسفی در شعر معاصر عربی می پردازد. در این راستا، مطالب در چهار بخش کلی، تنظیم شده است: ابتدا، ضمن معرفی مهمترین آرمانشهرها در گذر تاریخ، نحوه‌ی ورود اندیشه‌ی آرمانشهری به حوزه‌ی شعر و ادب بخصوص مکتب رمانتیسم، بررسی شده است. در بخش دوم به مفهوم دو مقوله زمان و مکان که بخش قابل توجهی از بار معنایی واژه آرمانشهر را دارند، پرداخته شده است. بخش سوم، به معرفی و شرح فنی و محتوایی اشعار معروفی اختصاص یافته است که محمل این ایده‌ی فلسفی هستند و در بخش پایانی مهمترین درونمایه های ادبیات آرمانشهری به شیوه‌ی تحلیلی و تطبیقی، بررسی می شوند.

امضاء استاد راهنما



كلية الآداب و العلوم الإنسانية

استمارة ملخصة للرسالة باللغة العربية

مديرية الدراسات العليا

الإسم: علي اكبر

لقب الطالب: احمدي چناري

الأستاذان المشرفان: السيد دكتور علي منتظمي، السيد الدكتور علي نوروزي الأستاذان المساعدان: السيد الدكتور سيد حسين سيدي، السيد الدكتور حسين ناظري

كلية الآداب و العلوم الإنسانية قسم: اللغة العربية قسم: اللغة العربية فرع: اللغة العربية مقطع: الدكتوراه

تاريخ المناقشة: عدد الصفحات: ٢٢٧

عنوان الرسالة: الفكر اليوتوبي في الشعر العربي الحديث

المفردات الرئيسية: اليوتوبيا، الشعر العربي الحديث، الزمن و المكان، الموتيفات

### ملخص:

اليوتوبيا او المدينة الفاضلة مجتمع مثالي في أحلام كثير من اكبر المفكرين يتأتى اصله من مثالية أفلاطون في كتاب الجمهورية. يحاول هذا البحث أن يبين مكانة هذه الفكرة الفلسفية في الشعر العربي الحديث.

يشتمل البحث على اربعة أبواب. في الباب الأول، بعد التعريف بأشهر اليوتوبيات عبر التاريخ، تناول الباحث كيفية ورود الفكرة اليوتوبية في إطار الشعر و الأدب خاصة في المدرسة الرومنسية ثم عالج مفهوم الزمن و المكان اللذين يحتويان على جانب هام من دلالة مصطلح «اليوتوبيا». يختص الباب الثالث بمعالجة الأشعار المشهورة التي تحتوي على هذه الفكرة من حيث الشكل و المضمون و أخيراً تُقدّم أهم الموتيفات للأدب اليوتوبي أو الطوباوي في دراسة تحليلية مقارنة.

توقيع الأستاذ المشرف



Ferdosi University of Mashhad  
Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities  
Abstract of Thesis Graduated Studies

**Student's Surname:** Ahmadi Chenari    **Student's Name:** Ali Akbar  
**Supervisor(s):** Dr. Ali Montazemi & Dr. Ali Noruzi    **Readers:** Dr. Sayyed Hosein Seyyedi & Dr. Hosein Nazeri  
**Dept:** Arabic Literature    **Orientation:** Arabic Literature    **Specialization:** Grade: Ph.d  
**Viva Date:**    **No of Pages:** 227  
**Thesis Title:** The Notion of Utopia in Modern Arabic Poetry  
**Key Words:** Utopia, Modern Arabic poetry, Time and Space (Spatial and Temporal), Themes.

**Abstract:**

Utopia is an idea society imagined and dreamt by most thinkers taking its origin from Plato's idealism reflected in The Republic. The paper deals with this philosophic idea in modern Arabic poetry. Thus, the organization of this paper is arranged into four sections. First, the important utopias during the course of literature, especially in Romantic era, is also studied. Second, the notion of time and place, which play an important role in the connotation of utopia, are taken into consideration. Third, famous poems reflecting this philosophy are introduced and discussed. Forth, the most important motifs of utopian literature are represented interpretively and comparatively.

Supervisor Signature

## فهرست مطالب:

۱-د	مقدمه.....
۱۷	بخش اول: کلیات.....
۱۸	فصل اول: سیری در تاریخچه اندیشه آرمانشهری.....
۱۸	آرمانشهر در لغت و اصطلاح.....
۲۰	معرفی معروفترین آرمانشهرهای غربی.....
۲۰	-عصر زرین (Golden age).....
۲۰	-جمهور افلاطون.....
۲۲	-اتوپیای توماس مور.....
۲۳	آرمانشهرهای شرقی -اسلامی.....
۲۳	-بهشت دیلمون.....
۲۴	-ارم ذات العماد.....
۲۵	-بهشت در رساله الغفران معری.....
۲۶	-مدینه فاضله فارابی.....
۲۸	آرمانشهر مهدوی در دیدگاه شیعیان.....
۲۹	ام القرای کواکبی.....
۳۲	فصل دوم: زمینه ها و عوامل اندیشه آرمانشهری.....
۳۲	اوضاع نابسامان اجتماعی.....
۳۳	مهاجرت.....
۳۴	جنبشهای فکری و فرهنگی.....
۳۵	فصل سوم: اندیشه آرمانشهری در ادبیات.....
۳۵	ورود اندیشه آرمانشهری از فلسفه به ادبیات.....

۳۷	ادبیات آرمانشهری در اصطلاح.....
۳۹	اندیشه آرمانشهری در ادبیات معاصر.....
۴۱	دلایل اوجگیری اندیشه ی آرمانشهری در مکتب رمانتیسیم.....
۴۱	ایده آلیسم.....
۴۴	اصل برتری تخیل بر تعقل.....
۴۷	- عقل باطنی.....
۵۰	-رؤیا.....
۵۴	بخش دوم: مفهوم زمان و مکان در اندیشه آرمانشهری.....
۵۵	فصل اول: زمان.....
۵۶	-اظهار شوق به گذشته (nostalgia).....
۵۶	-اظهار حسرت بر گذشته تاریخی و اساطیری.....
۵۷	-اظهار حسرت بر دوران کودکی.....
۵۹	گریز به آینده.....
۶۰	فصل دوم: مکان.....
۶۱	اتحاد معنایی زمان و مکان.....
۶۶	بخش سوم: معروفترین آرمانشهرها در شعر معاصر عرب.....
۶۷	فصل اول: جنگل، آرمانشهر جبران خلیل جبران.....
۶۷	جبران خلیل جبران (۱۸۸۳ - ۱۹۳۱).....
۷۱	شرح فنی و محتوایی قصیده المواكب.....
۷۱	تقابل آرمان و واقعیت در المواكب.....
۷۷	کارکرد نماد در المواكب.....
۸۲	فصل دوّم: عالم اثیر، ناکجا آباد فوزی المعلوف در فضا.....



۸۲	فوزی المعلوف (۱۸۹۹-۱۹۳۰).....
۸۴	شرح قصیده‌ی «علی بساط الريح».....
۸۵	-برگزیده .....
۸۷	- ساختار روائی .....
۹۱	فصل دوم: جیکور، بهشت گشوده‌ی سیاب.....
۹۱	سیر تطور مفهوم آرمانشهری واژه‌ی جیکور در شعر سیاب.....
۱۰۸	فصل چهارم: اتوپیا، جامعه آرمانی نازک الملائکه.....
۱۰۸	بنیان آرمانشهری شعر نازک.....
۱۱۴	شرح قصیده‌ی «یوتوبیا الضائعه».....
۱۱۹	بخش چهارم: درونمایه های ادبیات آرمانشهری در شعر معاصر عربی.....
۱۲۰	(مولوی، ۱۳۶۹: ۱۹۲).....
۱۲۰	فصل اول: شهر، نماد «جامعه غیر آرمانی» (dystopia) در شعر معاصر.....
۱۲۰	شعر معاصر جهان:.....
۱۲۶	شعر عربی معاصر.....
۱۳۲	فصل دوم: رهایی از هیاهوی شهرنشینی و تمدن (آرمان آرامش).....
۱۳۲	جبران و آرمان آرامش.....
۱۳۶	فوزی و آرمان آرامش.....
۱۴۰	سیاب و آرمان آرامش.....
۱۴۸	نازک الملائکه و آرمان آرامش.....
۱۵۴	فصل سوم: آزادی و رهایی از ظلم و ستم (آرمان عدالت).....
۱۵۴	عدالت آرمانی در نظرگاه جبران.....
۱۵۸	-عدالت دینی در اندیشه جبران.....

۱۶۱	عدالت آرمانی در اندیشه فوزی المعلوف.....
۱۶۴	عدالت از نظر سیاب.....
۱۶۵	-عدالت در دیدگاه فردی و غیر مکتبی سیاب.....
۱۷۲	عدالت آرمانی در دیدگاه نازک الملائکه.....
۱۷۷	فصل چهارم: آزادی از ماهیت مادی عشق در دنیا (آرمان عشق راستین).....
۱۷۷	عشق آرمانی در دیدگاه جبران.....
۱۸۰	عشق آرمانی در دیدگاه فوزی.....
۱۸۴	عشق آرمانی در دیدگاه سیاب.....
۱۹۱	عشق آرمانی در دیدگاه نازک الملائکه.....
۱۹۷	فصل پنجم: رهایی از زوال و فنا (آرمان جاودانگی).....
۲۱۱	نتیجه گیری.....
۲۱۵	یاد داشتها.....
۲۱۹	کتابنامه.....

## مقدمه

ایده‌ی گریز به یک جامعه خیالی و مطلوب، یک ایده‌ی بنیادین در تاریخ تفکر بشری است که قدمت آن به آغاز زندگی انسان روی زمین و هبوط حضرت آدم (ع) در آن بر می‌گردد. یکی از تأثیرگذارترین عوامل ایجاد اندیشه آرمانشهری در طول تاریخ، ادیان بزرگ الهی و بهشت موعود آنان بوده است که همواره به عنوان یک وعده گاه جاودانی و آرمانشهر، مطرح شده است.

نسلهای مختلف بشر هرکدام بر اساس اعتقادات و آموزه های خود، تصویری از یک جهان آرمانی در ذهن خود داشته اند. در این میان از بین آرمانشهرهای فلسفی، عالم «مُثل» افلاطون در کتاب جمهوریت، اولین آرمانشهر فلسفی با اصول و چهارچوب مشخص به شمار می آید که بعدها الگوی بسیاری از اندیشمندان در طرح جهان آرمانی یا آرمانشهر قرار گرفته است. در اروپا در دوره‌ی رنسانس این جهان بینی دچار رکود شده اما پس از بازگشت جریانهای فکری و فرهنگی به حوزه شعر و ادب و آماده شدن زمینه برای ظهور ایده ها و دیدگاههای فلسفی، جهان بینی آرمانشهری بار دیگر فراگیر شده و با نگارش کتاب «آرمانشهر» توسط توماس مور -انسان گرای انگلیسی- برخی از اندیشمندان ایده آلیست به تقلید از او به نوشتن داستانهای خیالی و جهانهای غیر واقعی پرداختند که هدف آنها، غالباً، سنجش و ارزیابی وضعیت موجود در برابر جامعه آرمانی بود. آرمانشهر مور و آثار بعد از او بیشتر صبغه سوسیالیستی دارند از این جهت که اصل مالکیت عمومی همه مردم بر منابع و ثروتها، در آنها محوریت دارد. سپس با ظهور مکتب رمانتیسم و رویکرد آن به عنصر تخیل، آرمانشهرهای رمانتیکی و ادبی ظهور کردند و به تدریج ادبیات آرمانشهری به یک گونه (ژانر) ادبی خاص، تبدیل شد. در بین اندیشمندان اسلامی، فارابی اولین آرمانشهر اسلامی فلسفی با عنوان «مدینه فاضله» را طرح نمود و سپس ابوالعلاء معری در سفرنامه خیالی الغفران، تصویری آرمانشهر گونه از بهشت ارائه داد. پس از دوره‌ی رکود و انزوای شعر عربی در دوره‌ی انحطاط، شعر معاصر عربی با تکیه بر میراث فلسفی و عرفانی قدیم و همچنین تأثیرپذیری از جریانهای ادبی جهان به خصوص رمانتیسم، محمل بسیاری از دیدگاهها و گرایشها و از جمله ایده‌ی آرمانشهر شد. پایان نامه حاضر می‌کوشد، نحوه بازتاب ایده‌ی آرمانشهر یا جامعه آرمانی در شعر معاصر عربی را در اشعاری که بستر این ایده قرار گرفته‌اند مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

آنچه باعث انتخاب این موضوع از سوی نگارنده شده در وهله اول کمبود منابع نقدی و تحلیلی به خصوص منابع فارسی در این زمینه و وجود تصویرهای متفاوت از ایده‌ی آرمانشهر در تعدادی از اشعار معاصر عربی

است که زبانی چند لایه و مبهم دارند. از آنجا که طرح کنندگان این ایده در حوزه ادب معاصر، مانند هر اندیشمند دیگری بر مبنای داشته های ذهنی و اعتقادات خود، جهان آرمانی و جامعه مطلوب خود را ترسیم می نمایند و طیف وسیعی از خوانندگان شعر معاصر، مخاطبان آثار آنها هستند تصور نگارنده این است که این نوشتار می تواند در حد بضاعت خود، سهمی در آشکار ساختن زوایای پنهان، جنبه های مختلف روساخت و ژرف ساخت اشعار آرمانشهری در ادب معاصر، داشته باشد. همچنین آبشخورها و بنیان های فکری طرح کنندگان این بن مایه سنتی را مورد واکاوی و مذاقه قرار دهد.

از جمله آثاری که به موضوع این پژوهش نزدیک هستند و به شکل جسته و گریخته به آن پرداخته اند می توان به کتابهای ذیل اشاره نمود:

۱- «دلالة المدينة في الخطاب الشعري العربي المعاصر» نوشته «قاده عقاق»، نویسنده سوری. این اثر، پژوهشی است درباره ی مفهوم مکان در شعر معاصر عربی که در آن دلالت های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی شهر و تجربه هایی که زاینده ی زندگی شهر نشینی هستند و چگونگی انعکاس آنها در شعر معاصر، بررسی و تحلیل شده است.

۲- «الإغتراب في الشعر العراقي المعاصر» نوشته ی «محمد راضی جعفر». موضوع پژوهش در این کتاب، پدیده ی غربت گرایی و انواع مختلف آن شامل غربت اجتماعی، عاطفی، سیاسی، مکانی در شعر پیشگامان شعر معاصر عراق مانند نازک الملائکه، سیاب و ... است.

از دیگر آثار مرتبط با موضوع پژوهش، یکی کتاب «یوتویا عبر التاريخ» نوشته ماریا لوئیزا برنیری نویسنده ایتالیایی است که در آن به معرفی آرمانشهرهای مشهور از جمله جمهور افلاطون و آرمانشهرهای سوسیالیستی دوران پس از رنسانس تا دوره ی معاصر پرداخته شده و دیگری کتاب «ایدئولوژی و اتوپیا» نوشته کارل مانهایم، فیلسوف و جامعه شناس آلمانی است که در هر دوی این آثار، با رویکرد جامعه شناختی به ایده ی آرمانشهر، نگاه شده و به آرمانشهرهای ادبی، اشاره ای نشده است.

از آنجا که مبحث اصلی این نوشتار، نحوه ی بازتاب آرمانشهرهای ادبی در شعر معاصر عرب است و این آرمانشهر غالباً ماهیتی رمانتیکی دارند پرسش اصلی این نوشتار آن است که چه عواملی باعث شده مکتب رمانتیسم در مقایسه با سایر مکتبهای ادبی، بستر مناسبتری برای ظهور اندیشه آرمانشهری باشد و فرضیه اصلی این است که به جهت محوریت اصل برتری تخیل و گریز به سوی جهانهای خیالی این مکتب، همسویی بیشتری نسبت به سایر مکتبهای ادبی با ایده ی یاد شده دارد.

نحوه‌ی جمع آوری داده‌ها در این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای است که در گام نخست، نمونه‌ها و شاهد مثالها از طریق یک کتاب شناسی دقیق، مورد خوانش قرار گرفته و سپس تحلیل شده‌اند. روش و متد تحقیق، شیوه‌ی تلفیقی است یعنی اینکه با یک رویکرد خاص مثلاً از زاویه نقد زیبایی شناسی یا جامعه‌شناختی، روان‌شناختی یا ریخت‌شناسی و نقد ساختار گرایانه، نمونه‌ها، تحلیل نشده‌اند بلکه سعی شده، آمیزه-ای از این رویکردها به کار گرفته شود که در نقد عربی به آن «المنهج التكاملي» می‌گویند. مبنای پژوهش، اشعار چهار شخصیت اصلی مورد پژوهش یعنی جبران خلیل جبران، فوزی المعلوف، بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه بوده است. اما به جهت تطبیق و مقایسه، گاهی به نمونه‌هایی از اشعار شاعران معاصر جهان نیز استناد شده است. ضمن اینکه حتی الامکان نمونه‌های اصلی با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

از حیث منابع، در این پژوهش از کتابها و متون متفاوتی استفاده شده است:

- دیوانهای شاعران یاده شده و مجموعه کامل آثار جبران به عنوان متون اصلی.
- منابع نقدی و تحلیلی که علاوه بر کتابهای یاد شده در پیشینه تحقیق به این کتابها می‌توان اشاره نمود:
- الرومنسیه فی الشعر العربی و الغربی نوشته ایلیا الحاوی، الثابت و المتحول و پیشدرآمدی بر شعر معاصر عربی، دو اثر برجسته آدونیس، جبران فی شخصیته و ادبه اثر غسان خالد و بدر الشاکر السیاب از احسان عباس، ناقد نامی معاصر.
- فرهنگنامه‌های اصطلاحات ادبی و فرهنگی مانند الثقافی نوشته ثروت عکاشه، معجم مصطلحات النقد مجدی وهبه و لغتنامه‌ی المنجد فی اللغة و الإعلام.

به جهت نوپا بودن موضوع پژوهش، نگارنده با دشواریهایی در این مسیر، مواجه بوده است از جمله اینکه یک الگو و متد مشخص در این ارتباط وجود نداشته و در آثاری که به شکل جسته و گریخته به این موضوع پرداخته‌اند، رویه معینی وجود ندارد. بدین سبب، سعی شده به نحوه‌ی ترسیم و بازتاب موضوع محوری پژوهش در آثار شخصیت‌های مذکور توجه شود. اینکه، ایده‌ی آرمانشهر در شعری با ساختار روایی -قصصی یا ساختار خطابی و یا اینکه در یک اثر یا چند اثر، طرح شده، در شیوه‌ی تحقیق، مؤثر بوده است. نکته‌ای که در همین ارتباط لازم است به آن اشاره شود این است که آثار این شخصیتها در اکثر موارد دارای وحدت موضوعی

است و اثر جهان بینی آرمانشهری تقریباً در همه آثارشان دیده می شود. به همین دلیل از دیگر آثار آنها نیز نمونه هایی برای نشان دادن شمول و جامعیت جهان بینی مذکور، انتخاب شده است. از دیگر دشواریهای پژوهش، عدم دسترسی آسان و سریع به منابع جدید بوده که گاه باعث کندی کار و وقفه های طولانی در انجام آن شده است.

مطالب این پایان نامه در چهار بخش کلی تنظیم شده است: **بخش اول** که به عنوان مدخلی برای ورود به بدنه اصلی پژوهش در نظر گرفته شده، در بردارنده کلیات تحقیق است که شامل سه فصل است؛ در فصل اول، سیر تطور تاریخی اندیشه آرمانشهری از طریق معرفی مهمترین آرمانشهرهای جهانی و عربی - اسلامی، بررسی شده است. در فصل دوم زمینه ها و عوامل ایجاد اندیشه آرمانشهری، شرح داده شده و در فصل سوم، به نحوه ی ورود آن از فلسفه به عرصه ادبیات جهان و ادبیات عرب و عوامل اوجگیری آن در مکتب رمانتیسم، اشاره شده است که مهمترین این عوامل عبارتند از: اصل ایده آلیسم و برتری تخیل بر تعقل.

**بخش دوم:** این بخش، به مفهوم زمان و مکان که از عناصر تشکیل دهنده ایده آرمانشهر و بخشی از دلالت معنایی واژه ی آرمانشهر هستند، اختصاص یافته و شامل دو فصل است؛ فصل اول مربوط به جهتگیری عنصر زمان در اندیشه آرمانشهری به شکل اظهار شوق به گذشته، اظهار حسرت بر گذشته تاریخی و اساطیری، کودکی و آینده است. در ادامه مفهوم مکان و طبیعت و در فصل انتهایی، مفهوم نمادین زمان و مکان اتحاد معنایی آن دو، بررسی شده است.

**بخش سوم،** شامل چهار فصل است. در سه فصل ابتدایی، ضمن معرفی شخصیتها، ویژگیهای فنی و محتوایی آثاری که آرمانشهرهای ادبی در آن ترسیم شده اند، آمده است. این آثار عبارت اند از قصیده ی «المواكب» جبران خلیل جبران، قصیده ی «علی بساط الريح» اثر فوزی المعلوف و قصیده ی «یوتوبیا الضائعة» سروده ی نازک الملائکه. در فصل چهارم، به جهت تطور معنایی واژه ی جیکور در شعر سیاب، نمونه شعری خاصی مد نظر قرار نگرفته بلکه سیر معنایی این واژه - به عنوان آرمانشهر او - از طریق شرح مراحل مختلف زندگی ادبی اش، بررسی شده است.

**بخش چهارم:** در این بخش مهمترین درونمایه های ادبیات آرمانشهری در آثار شخصیتهای یاد شده با محوریت اشعار مذکور - در مورد سه شخصیت اولی - مورد تحلیل و واکاوی و تطبیق قرار گرفته است. این بخش نیز شامل پنج فصل است. ابتدا، از آنجا که پدیده ی شهر نشینی، در جهان بینی آرمانشهری معاصر، مظهر سرمایه داری و ضدیت با طبیعت است و طبیعت، حکم آرمانشهر را دارد، جایگاه شهر به عنوان جامعه غیر آرمانی (Dystopia) در شعر معاصر، بررسی شده و سپس طی چهار فصل، درونمایه هایی به عنوان آرمان ها

مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند که همه‌ی آنها منشعب از درونمایه اصلی ادبیات آرمانشهری یعنی آرمان آزادی هستند. این چهار فصل عبارتند از: درونمایه‌ی آزادی و رهایی از هیاهو و غوغای تمدن معاصر (آرمان آرامش)، آزادی از ماهیت مادی عشق در دنیا (آرمان عشق راستین)، آزادی و رهایی از ظلم و ستم (آرمان عدالت) و رهایی از زوال و فنای انسان در جهان (آرمان جاودانگی).

در پایان ضمن آرزوی بهروزی و سعادت از درگاه خداوند منان برای اساتید محترم و همه عزیزانی که در به فرجام رساندن این پژوهش، مرا یاری نمودند، امیدوارم این کار با تمام کاستی‌هایش در مسیر به دست دادن تفسیری صحیح‌تر و نزدیک‌تر به ذهن‌تر از ساختار پیچیده و چند لایه شعر معاصر، سهمی هرچند ناچیز داشته باشد و زمینه را برای پژوهش‌های بعدی در ادبیات آرمانشهری معاصر، فراهم سازد.

بخش اوّل: کلیات



## فصل اوّل: سیری در تاریخچه‌ی اندیشه آرمانشهری

### آرمانشهر در لغت و اصطلاح

واژه‌ی «آرمانشهر»<sup>۱</sup> معادل فارسی Utopia است که بر گرفته از دو واژه یونانی “topos” به معنی مکان و “ou” به معنی «نا» ست. اولین بار توماس مور-فیلسوف انسان‌گرای انگلیسی- این واژه را به شکل کنونی‌اش، عنوان کتابی به همین نام قرار داد (صلیبا، ۱۳۶۶: ۴۴۷) که در ادامه همین فصل به آن خواهیم پرداخت. در زبان عربی پر کاربردترین معادل آن «یوتوبیا» است که نخستین بار، نازک الملائکه، آن را در شعر به کار برده است: «اتوبیا، واژه‌ای است یونانی به معنی لامکان که من آن را به مفهوم یک شهر خیالی در عالم شعر به کار می‌برم.» (الملائکه، ۱۹۹۷ (ج ۲): ۱۹۷) افزون بر این، به مدینه فاضله نیز ترجمه شده (الحانی، ۱۹۶۸: ۱۳۰) که بر گرفته از کتاب مشهور «آرای اهل مدینه فاضله» فارابی است.

با این که توماس مور در قرن شانزده میلادی، این واژه را ابداع نموده اما پژوهشگران به اتفاق، آرمانشهر را یک اندیشه بنیادی فلسفی می‌دانند که ریشه آن را باید در نظریه «مُثُل» افلاطون، جستجو نمود. او بر پایه‌ی نگرش ایده‌آلیستی به زندگی انسان، کتاب جمهوریت را تألیف نمود که بسیاری از فلاسفه مانند فارابی و مور و

همچنین شعرا، بنیان آرمانشهرهای خود را از آن گرفته‌اند.

از نقطه نظر مفهومی، آرمانشهر یک جامعه خیالی و آرمانی در رؤیای بسیاری از اندیشمندان، فلاسفه، شاعران و متفکران است که در واقعیت وجود ندارد؛ «یک جامعه خیالی که کمال انسان در آن تحقق می‌یابد و از تمامی شرور و بدیهایی که از آن رنج می‌برد، رهایی می‌یابد. چنین اجتماعی در هیچ بخشی از زمین قرار ندارد بلکه مکان و جزیره‌های خیالی و در ذهن خیال نویسنده است.» (برنیری، ۱۹۹۷: ۱۸). در واقع اندیشه آرمانشهری، منادی انسجام یافتن انسان با نفس خود، دیگران و اجتماع است و اتوپیا، رؤیای سعادت نوع بشر است که از نظر آرمان‌گرایان در دنیای واقعی، امکان محقق شدن آن وجود ندارد.

گرچه افلاطون -چنانکه خواهیم دید- اولین آرمانشهر را به صورت یک جامعه خیالی دارای یک چارچوب منطقی و مشخص بنیان نهاد اما پیشینه‌ی این تفکر را باید به سپیده دم تاریخ و هبوط حضرت آدم و حوا (ع) بر روی زمین، بر گرداند. نوع بشر در گذر تاریخ هرگاه در مسیر زندگی اش با رنج و مرارت، بی‌عدالتی و ناهنجاری، مواجه شده به بهشت گمشده خود پناه برده است. بدین ترتیب از لحظه ورود او به زمین یک درگیری دائم و پیوسته بین واقعیت بیرونی و پیرامونی و جهان ایده آل در ذهن او به وجود آمده که نتیجه آن پیدایش حس آرمان‌گرایی است. «آرمان‌گرایی به انسان قدرت می‌بخشد تا در برابر جهان طبیعت، عرض و جود کند و به آنچه هست قانع نباشد و برای دستیابی به آنچه باید باشد یعنی حقیقت، تلاشی مداوم نماید.» (رزمجو، ۱۳۶۸: ۱۸). طبیعی است که آنچه باید باشد در دیدگاه هر انسانی با دیگران متفاوت است چون هر کس از زاویه نگاه خود و بسته به مبانی فکری و اعتقادی اش، ایده آل خود را ترسیم می‌کند. به این اعتبار از سویی چون واقعیت محیطی افراد و از سوی دیگر داشته‌های ذهنی و قدرت اندیشه آنها با یکدیگر متفاوت است، شکی نیست که آنچه به عنوان جامعه‌های آرمانی یا آرمانشهرها در تاریخ تفکر بشری، شناخته می‌شوند، چهره‌های متفاوتی دارند. در واقع اندیشه آرمانشهر در تفکر بسیاری از انسانهای آرمان‌گرا در طول تاریخ به شکل‌های مختلف وجود داشته و حافظه‌ی جمعی بشر آن را به صورت یک کهن الگو (Archetype) در خود حفظ نموده و به نسل‌های مختلف انتقال داده است. اسطوره‌ها، افسانه‌ها، کتابها و متونی قدیمی از اقوام مختلف تا به امروز باقی مانده است که همه آنها بیانگر این اندیشه کهن و تصویر تکرار شونده‌ی آرمانشهر هستند. این میراث قدیمی، به عنوان منبع الهام تمامی اتویپیستها از شاعر و نویسنده گرفته تا فلاسفه و اندیشمندان علوم اجتماعی در همه دورانها بوده و خواهد بود. اکنون به معرفی مشهورترین آرمانشهرهای تاریخ که سهم عمده‌ای

در تطور اندیشه آرمانشهری در دورانهای پس از خود داشته اند، می پردازیم:

## معرفی معروفترین آرمانشهرهای غربی

### - عصر زرین (Golden age)

این اصطلاح دلالت بر یکی از درخشانترین دوره های پنجگانه اسطوره‌ای زندگی انسان دارد که هزیود (Hesiod)، شاعر سده‌ی هشتم قبل از میلاد در یونان باستان، آن را تقسیم بندی نموده است. این پنج دوره عبارت اند از: عصر زرین، عصر سیمین، عصر مفرغ، عصر پهلوانی و عصر آهن. از میان این عصور پنجگانه تنها اولی، دلالت آرمانشهری دارد که طی آن، انسانها فارغ از رنج و زحمت می زیستند و هیچ گاه پیر نمی شدند و چنان می مردند که گویا به خواب رفته اند. آن زمان کرونوس پادشاه بود. زئوس (Zeus) -خدای خدایان - این انسانها را به فرشتگان خیر کرد که بر زمین می خرامند و از انسانهای فناپذیر و میرا نگهبانی می کنند و بدینسان، ثروت و مکت می بخشند.» (رز، ۱۳۵۸: ۹۳)

عصر زرین، یکی از آرمانی ترین دوران زندگی کل بشر و نماد یک دوران سعادت‌مند و ایده آل در درورانهای پس از هزیود به شمار می آید و شاعران و نویسندگان آن را به عنوان الگوی یک جامعه خیالی کامل می شناسند. «شاعران یونانی و رم قدیم آن را سپیده دم زندگی انسان می دانند که روزگار سعادت مطلق و زندگی یکپارچه نوع بشر است؛ دورانی که فقر، جنگ و مشکلات زندگی متمدنانه در آن وجود ندارد.» (وهبه، ۱۹۷۴: ۱۹۴)

از نقطه نظر تاریخی، هرگاه اوضاع فرهنگی، اجتماعی و ادبی قومی به شکوفایی رسیده، از سوی آن قوم، دوره‌ی طلایی نامیده شده است.

### - جمهوریت افلاطون

دست‌آورد ایده آلیسم افلاطونی، نخستین جامعه و حکومت آرمانی مشتمل بر طبقات مختلف مردم و اصول و ایدئولوژی مشخص در کتاب معروف «جمهوریت» (Republic) است. او برای نخستین بار، آرمان و واقعیت را در قالب یک تئوری فلسفی به نام نظریه‌ی «مثل» در تقابل یکدیگر قرار داد. در اندیشه او در واقع دو جهان

وجود دارد؛ جهان آرمانی یا جهان ایده‌ها و جهان واقعیت یا به تعبیر کارل یاسپرس «جهان ایده‌ها و جهان محسوسات، جهان بودن و شدن، جهانی که با اندیشه می‌توان دریافت و جهان نموده‌ها» (یاسپرس، ۱۳۵۷: ۹). افلاطون به منظور تعبیر از جهان محسوسات یعنی همان که انسان در پیرامون خود می‌بیند، تمثیل غار را به کار گرفته است که خلاصه آن چنین است:

آدمیان در غاری زیرزمینی به زنجیر بسته شده‌اند و در بیرون غار آتشی روشن است. میان آتش و زندانیان، راهی است و در بین راه دیوار کوتاهی است. در آن سوی دیوار افرادی کالاها و اسباب و آلاتی را به این سو و آن سو می‌برند. زندانیان از آن اشیاء فقط سایه‌های را می‌بینند که آتش به دیوار می‌تاباند و جز آن سایه‌ها چیزی را حقیقی نمی‌شمارند تا اینکه زنجیر از پای یکی از آنها باز شده و او بیرون می‌آید و با اشیاء و کائنات واقعی و خورشید آشنا می‌شود اما وقتی برای نجات دیگران می‌آید تا به عالم بالا راهنماییشان کند، کمر به کشتن او می‌بندند. (همان: ۹۷-۹۹)

در دیدگاه افلاطون، عالم مرئی، زندان و آن شعله آتش، در حکم اثر خورشید و عروج به عالم بالا و مشاهده عجایب نیز عبارت از صعود روح به عالم معقولات است. (افلاطون، ۱۳۳۵: ۴۰۰)، چنانکه ملاحظه می‌شود، کائنات جهان مادی در اندیشه ایده‌آلیستی او، سایه‌ای ناقص از الگوهای آرمانی در جهان ماورائی «مثل» هستند و شناخت انسان، شناختی ناقص و غیر واقعی از حقیقت نوع بشر و عالم هستی است و شناخت حقیقی در دنیای عالم مُثُل انجام می‌پذیرد که عرصه تعقل است. شیوه‌ی ارائه‌ی آراء و نظریات افلاطون در کتاب جمهوریت، غالباً بر اساس بحث و جدل یا پرسش و پاسخ فلسفی (dialectic) بین افراد استوار است و قهرمان اصلی در اکثر بحث و جدلها، سقراط است. این سخن به مفهوم آن است که افلاطون هیچ گاه مستقیماً آنچه را که در دیدگاه خودش حقیقت و پسندیده است بر زبان نمی‌آورد بلکه گفتگو و مجادله دو طرفه ایجاد می‌کند تا مخاطب خود قضاوت کند و او فقط جنبه راهنما دارد. در واقع بنیان روش فلسفی او بر ایجاد تناقض و دادن فرصت برای انتخاب، استوار است.

در جهان بینی افلاطون، قانون طبیعت به نحوی است که برخی باید مسلط و گروهی دیگر، پیرو باشند. او کسانی را واجد شرایط حکومت بر دیگران می‌داند که از تعقل، تدبر، اخلاق و معرفت بالایی برخوردار باشند و در بین مردم فقط فلاسفه، دارای چنین ویژگی‌هایی هستند؛ «دولت خوشبخت، دولتی است که فیلسوف در آن حاکم باشد.» (برنیری، ۱۹۹۷: ۱۵۲)